

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

فلسفه علم

۱۴۰۴-۱۴۰۵

گردآورندگان

حسین کفاشیان بیلندی

فهرست مطالب

جدول فراوانی

مقدمه تحلیلی

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای فلسفه علم ۱۴۰۴

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۹
پاسخ نامه فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۱
درسنامه مروری فلسفه عمومی.....	۳۸
فلسفه علم.....	۴۰
پاسخ نامه فلسفه علم.....	۴۳
درسنامه مروری فلسفه علم.....	۸۳
تاریخ علم دوره اسلامی.....	۸۵
پاسخ نامه تاریخ علم دوره اسلامی.....	۸۶
درسنامه مروری تاریخ علم دوره اسلامی.....	۱۰۳
تاریخ علم غرب.....	۱۰۵
پاسخ نامه تاریخ علم غرب.....	۱۰۷
درسنامه مروری تاریخ علم غرب.....	۱۲۹

آزمون دکترای فلسفه علم ۱۴۰۵

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۳۱
پاسخ نامه فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی - فلسفه غرب).....	۱۳۳
درسنامه مروری فلسفه عمومی.....	۱۶۶
فلسفه علم.....	۱۷۱
پاسخ نامه فلسفه علم.....	۱۷۴
درسنامه مروری فلسفه علم.....	۲۱۴
تاریخ علم غرب.....	۲۱۷
پاسخ نامه تاریخ علم غرب.....	۲۱۹
درسنامه مروری تاریخ علم غرب.....	۲۴۷
تاریخ علم دوره اسلامی.....	۲۴۹
پاسخ نامه تاریخ علم دوره اسلامی.....	۲۵۰
درسنامه مروری تاریخ علم دوره اسلامی.....	۲۶۳
واژه نامه.....	۲۶۷
ضمایم.....	۲۷۹
نمایه موضوعی.....	۲۸۳
منابع.....	۲۸۹

جدول جامع توزیع فراوانی موضوعی سؤالات آزمون دکترای تخصصی فلسفه علم (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱. منطق (قدیم، ریاضی و فلسفی)	۱۰	۱۰	۶	۱۰	۱۰	۱۰	۵۶	۶٪/۱۰
۱.۱. منطق قدیم (قیاس، عکس مستوی، نقیض و شرایط انتاج)	۳	۲	۱	۴	۲	۳	۱۵	۸٪/۲
۱.۲. منطق گزاره‌ها، جدول ارزش و هم‌ارزی‌ها	۲	۳	۲	۲	۳	۲	۱۴	۶٪/۲
۱.۳. منطق محمولات مرتبه اول و مدل‌های نقض	۵	۵	۳	۴	۵	۵	۲۷	۲٪/۵
۲. فلسفه اسلامی	۱۰	۱۰	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷	۸٪/۱۰
۲.۱. وجود، ماهیت، مواد ثلاث و احکام عدم	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۸	۴٪/۳
۲.۲. علت و معلول، اقسام فاعل و قاعده الواحد	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۱۳	۵٪/۲
۲.۳. حرکت (توسطیه/قطعیه)، زمان، قوه و فعل	۱	۲	۱	۱	۲	۱	۸	۵٪/۱
۲.۴. حکمت اشراق، مشاء، عقول و نفس	۴	۳	۱	۴	۳	۳	۱۸	۴٪/۳
۳. فلسفه غرب (یونان، قرون وسطی و جدید)	۱۰	۱۰	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷	۸٪/۱۰
۳.۱. فلسفه یونان باستان (پیشاسقراطیان، افلاطون، ارسطو)	۲	۳	۱	۳	۴	۴	۱۷	۲٪/۳
۳.۲. فلسفه قرون وسطی و مناقشات کلیات	۱	۲	۰	۲	۰	۳	۸	۵٪/۱
۳.۳. عقل‌گرایی قاره‌ای (دکارت، اسپینوزا، لایبنیتس)	۵	۳	۳	۲	۳	۲	۱۸	۴٪/۳

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۳.۴. تجربه‌گرایی بریتانیا، کانت و پسا-کانتی‌ها	۲	۲	۳	۳	۳	۱	۱۴	۷٪/۲
۴. فلسفه معاصر و تحلیلی	۱۰	۱۰	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷	۸٪/۱۰
۴.۱. فلسفه تحلیلی متقدم (فرگه، راسل، مور)	۲	۱	۱	۲	۲	۳	۱۱	۱٪/۲
۴.۲. ویتگنشتاین (رساله و پژوهش‌ها)	۱	۰	۰	۲	۰	۲	۵	۹٪/۰
۴.۳. فلسفه زبان و پراگماتیسم (کواین، پاتنم، کریپکی)	۲	۲	۱	۳	۳	۲	۱۳	۵٪/۲
۴.۴. پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم و هرمنوتیک	۵	۷	۵	۳	۵	۳	۲۸	۳٪/۵
۵. فلسفه علم (مکاتب و مسائل محوری)	۳۰	۳۰	۳۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۶۵	۳٪/۳۱
۵.۱. استقراء، تأیید، پارادوکس کلاغ‌ها و بیزگرایی	۴	۴	۳	۴	۳	۳	۲۱	۰٪/۴
۵.۲. پوزیتیویسم منطقی و معیار تحقیق‌پذیری	۳	۲	۲	۱	۱	۱	۱۰	۹٪/۱
۵.۳. ابطال‌گرایی و رشد علم (کارل پوپر)	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۲۱	۰٪/۴
۵.۴. برنامه‌های پژوهشی و متدولوژی (ایمره لاکاتوش)	۲	۲	۲	۲	۳	۱	۱۲	۳٪/۲
۵.۵. ساختار انقلاب‌های علمی و پارادایم‌ها (توماس کوهن)	۳	۲	۳	۳	۲	۲	۱۵	۹٪/۲
۵.۶. آنارشیسم معرفتی و نقد روش (پل فایرابند)	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۹	۷٪/۱
۵.۷. رئالیسم انتقادی و هستی‌شناسی علم (روی بسکار)	۲	۳	۳	۲	۳	۱	۱۴	۷٪/۲

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۵.۸. رئالیسم علمی، ضدواقع گرایی و تعیین ناقص	۳	۳	۲	۳	۲	۴	۱۷	۲٪/۳
۵.۹. تجربه گرایی برساختی و کفایت تجربی (ون فراسن)	۳	۳	۲	۲	۲	۳	۱۵	۹٪/۲
۵.۱۰. تبیین علمی (مدل های D-N، علی و بافت مند)	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۸	۵٪/۱
۵.۱۱. متافیزیک قوانین طبیعت و علیت در علم	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۸	۴٪/۳
۵.۱۲. جامعه شناسی، ارزش ها و ابزارمندی در علم	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۳	۶٪/۰
۶. تاریخ علم	۲۰	۲۰	۲۳	۲۵	۲۵	۲۵	۱۳۸	۲٪/۲۶
۶.۱. تاریخ علم در تمدن اسلامی (نجوم، ریاضیات و ابزارشناسی)	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۳۳	۳٪/۶
۶.۲. تاریخ طب، داروسازی و طبیعیات دوره اسلامی	۴	۵	۴	۶	۵	۵	۲۹	۵٪/۵
۶.۳. انقلاب علمی و فیزیک کلاسیک (کوپرنیک، کپلر، گالیله، نیوتن)	۶	۶	۷	۶	۷	۸	۴۰	۶٪/۷
۶.۴. فیزیک قرن نوزدهم و بیستم (ترمودینامیک، نور، نسبیت، کوانتوم)	۳	۳	۵	۶	۵	۵	۲۷	۱٪/۵
۶.۵. زیست شناسی، شیمی نوین و زمین شناسی	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۹	۷٪/۱
مجموع سؤالات سال	۹۰	۹۰	۸۰	۹۰	۸۰	۹۰	۵۲۸	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی

۱. **تحلیل روندها:** بررسی بودجه‌بندی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که پس از تغییر ساختار دفترچه‌ها و مشترک شدن آزمون در قالب کد ۲۱۳۶ (سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵)، ثبات مشخصی بر بخش فلسفه علم و تاریخ علم (مجموعاً ۵۰ سؤال ثابت در دفترچه مشترک) حاکم شده است. در بخش فلسفه علم، توجه به رویکردهای متافیزیک علم (به‌ویژه نظریه لایه‌مند روی بسکار و نظریه‌های مبتنی بر تمایلات در باب قوانین طبیعت) در سال‌های اخیر رشد تصاعدی داشته است. از سوی دیگر، سؤالات تاریخ علم از رویکرد صرفاً وقایع‌نگارانه به سمت بررسی مفاهیم بنیادی فیزیک مدرن (مکانیک کوانتومی، نسبیت و ترمودینامیک) و تحلیل متون تخصصی نجوم و طب اسلامی ارتقا یافته است.

۲. معرفی مباحث کلیدی:

- **مسائل پرتکرار فلسفه علم:** منظومه ابطال‌پذیری پوپر، ساختار برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش، پارادایم و قیاس‌ناپذیری کوهن، و تقابل رئالیسم علمی با تجربه‌گرایی برساختی ون‌فراسن بیش از ۵۰ درصد سؤالات هسته فلسفه علم را به خود اختصاص داده‌اند.
- **تاریخ علم:** تطور مفهوم حرکت و گرانش از گالیله تا نیوتن (کتاب اصول)، نوآوری‌های نجومی مکتب مراغه (جفت طوسی، فلک تدویر) و اپتیک ابن‌هیثم و کمال‌الدین فارسی پرتکرارترین کانون‌های طرح پرسش هستند.
- **دروس عمومی:** منطق محمولات و درخت صدق در منطق صوری، احکام مواد ثلاث و حرکت در فلسفه اسلامی، و معرفت‌شناسی کانت و دکارت در فلسفه غرب بالاترین وزن را دارند.

۳. توصیه‌های راهبردی مطالعه:

- **اولویت اول (سرمایه‌گذاری روی تاریخ علم):** با توجه به اینکه تاریخ علم بیش از ۲۶٪ کل آزمون را تشکیل می‌دهد، مطالعه منابع مرجع تاریخ علم دوره اسلامی و تاریخ فیزیک از نیوتن تا آغاز فیزیک مدرن بیشترین بازدهی نمره را ایجاد می‌کند.
- **اولویت دوم (مسلط شدن بر ۵ فیلسوف محوری):** تسلط خطبه‌خط بر آرای پوپر، کوهن، لاکاتوش، ون‌فراسن و بسکار برای کسب درصد بالای ۷۰ در بخش فلسفه علم کفایت می‌کند.
- **اولویت سوم (تکنیک‌های حل تست منطق):** در بخش منطق صوری و ریاضی، با توجه به تکرار الگوی استدلال‌های مرتبه اول و قواعد انتاج قیاس، تمرین الگوهای استنتاجی و رد گزینه‌ها بر مبنای جدول ارزش ضامن پاسخ‌گویی به حداقل ۸۰ درصد سؤالات منطق خواهد بود.

مقدمه تحلیلی: تبارشناسی و قطب‌نمای راهبردی آزمون‌های دکترای تخصصی فلسفه علم

تحلیل موشکافانه ۶ دوره اخیر آزمون ورودی دکترای تخصصی فلسفه علم (از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) حاکی از دگرپرسی‌های بنیادین ساختاری، متدولوژیک و مفهومی در رویکرد طراحان سازمان سنجش است. هدف از نگارش این مقدمه، ارائه یک دیدگاه نقادانه، چندبعدی و نقشه راهی جامع برای داوطلبان است تا با درک منطق زیرین چالش‌ها، از مطالعه پراکنده فاصله گرفته و توان تحلیلی خود را بر گره‌های اصلی آزمون متمرکز نمایند.

۱. **دگرگونی‌های ساختاری و ادغام کدهای امتحانی: گذار به کل‌گرایی فلسفی** نخستین نکته آشکار در بررسی این دوره شش ساله، تحول شکلی و ساختاری دفترچه‌هاست. آزمون در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ تحت کد رشته ۲۱۳۸ با مجموعاً ۸۰ الی ۹۰ سؤال و با ساختار تفکیک‌شده برگزار می‌شد. از سال ۱۴۰۳ با تجمیع گرایش‌های فلسفه ذیل کد ۲۱۳۶، حجم سؤالات به ۱۳۰ و ۱۸۰ سؤال افزایش یافت و دروس «فلسفه معاصر، هرمنوتیک، فلسفه تحلیلی» و «منطق موجهات و فلسفه منطق» در کنار «فلسفه علم و تاریخ علم» وزنی تعیین‌کننده یافتند. این ادغام ساختاری نشان داد که طراحان آزمون، فلسفه علم را جزیره‌ای مجزا نمی‌دانند، بلکه آن را امتداد طبیعی معرفت‌شناسی، فلسفه زبان، متافیزیک تحلیلی و منطق ریاضی قلمداد می‌کنند؛ بدین ترتیب، تسلط بر فلسفه علم در گرو پیوند آن با سنت‌های فلسفه غرب و تحلیلی است.

۲. **تغییر جهت‌گیری متدولوژیک: از پوزیتیویسم کلاسیک به هستی‌شناسی علم و متافیزیک انتقادی** در سال‌های نخستین (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱)، وزن چشمگیری از سؤالات به مسائل کلاسیک نظریه تأیید، پوزیتیویسم منطقی، تمایز تحلیلی/تألیفی و استقراگرایی اختصاص داشت. اما از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵، چرخشی ملموس از «معرفت‌شناسی صوری و زبان‌شناختی محض» به سوی «متافیزیک علم، هستی‌شناسی عمق‌نگر و نظریه عمل علمی» پدید آمده است:

- **تمرکز بر رئالیسم انتقادی و هستی‌شناسی لایه‌مند:** حضور مداوم و عمیق مفاهیم روی بسکار (مکانیزم‌های مولد، لایه‌های سه‌گانه واقعیت به واقعی، بالفعل و تجربی، و تمایز ساختارهای باز و بسته) به عنوان یکی از قطب‌های ثابت سؤالات تثبیت شده است.
- **چرخش به سوی ابعاد عملی و مداخله‌گر:** ارزیابی دیدگاه‌های ایان هکینگ (رئالیسم هیوایی و تقدم مداخله و دستکاری بر باز‌نمایی صرف) و نقد نظریه‌های کلاسیک ارجاع، نشان می‌دهد که آزمون به سوی بررسی فلسفی فعالیت آزمایشگاهی حرکت کرده است.
- **متافیزیک قوانین طبیعت:** سؤالات از بررسی انتظام‌گرایی ساده هیومی فراتر رفته و به آزمون دقیق دیدگاه‌های ذات‌گرایی تمایلی (Dispositions/Causal Powers)، نظریه کلی‌های آرمسترانگ و مدل بهترین سیستم‌های لوئیس پرداخته‌اند.

۳. پرتکرارترین کانون‌های مفهومی و متفکران کلیدی در فلسفه علم

تحلیل مقایسه‌ای دوره‌ها نشان می‌دهد که برخی مضامین، ستون فقرات پایدار آزمون در تمام سال‌ها بوده‌اند:

- **ایمره لاکاتوش و ساختار رشد علم:** مفهوم کمربند حفاظتی، هسته سخت، راهنماهای ایجابی و سلبی، و به ویژه ترجیح «تأیید پیش‌بینی‌های بدیع» بر ابطال‌های زود هنگام در مرحله بلوغ برنامه، پای ثابت سؤالات در هر ۶ دوره بوده است.
- **توماس کوهن و پل فایرابند:** قیاس‌ناپذیری، پدیده خسران کوهنی (Kuhn Loss)، عدم وجود الگوریتم منطقی در انتخاب پارادایم، در کنار بررسی تعامل دیالکتیکی دو اصل کثرت و پافشاری فایرابند و نقد نهادینه‌شدن علم، همواره بخش قابل توجهی از بودجه‌بندی را تشکیل داده‌اند.

- **بس و ن فراسن و تجربه گرایی بر ساختی:** مفهوم کفایت تجربی، تفکیک باور از پذیرش، و سبک تر بودن بار متافیزیکی ضد رئالیسم و ن فراسن نسبت به واقع گرایی فربه، جزو پرسش های قطعی هر ساله بوده است.

- **مسئله استقرار و بحران های فرمول بیز:** از معمای جدید استقرار و مفهوم تثبیت شدگی واژگان در گودمن تا چالش های ریاضیاتی فرمول بیز در مواجهه با فرضیه های نوظهور ($P(h) = \cdot$) و مسئله شاهد قدیمی ($P(e) = 1$)، بی وقفه ارزیابی شده اند.

۴. خط سیر تحلیلی تاریخ علم: از تاریخ نقلی به تاریخ نگاری معرفت شناختی و درونی

در حوزه تاریخ علم نیز شیوه طراحی پرسش ها دچار تکامل چشمگیری شده است. سؤالات از حالت حفظی و گاه شمارانه به سمت درک تحولات مفهومی، پارادایمی و تاریخ نگاری انتقادی تغییر وضعیت داده اند:

- **تاریخ علم دوره اسلامی:** تمرکز بر نوآوری های مکتب مراغه و جفت طوسی در نقد هیئت بطلمیوسی، تحول پارادایمی نورشناسی ابن هیثم در پیوند ریاضیات با فیزیک و نقد نظریه انبعاثی، رساله های دقیق خازنی در هیدروستاتیک و ترازوی حکمت، و نقد ابن نفیس بر نظریه گردش خون جالینوسی، کانون های پربسامد بوده اند. علاوه بر این، بررسی انتقادی متون مستشرقان (نالیو در نجوم، براون در طب و پاول کراوس در کیمیای جابری) بخش تثبیت شده آزمون های متأخر است.

- **انقلاب علمی و فیزیک قرون ۱۷ تا ۱۹:** چگونگی گذار از مدل های بطلمیوسی به کپرنیکی و کپلری، قواعد فلسفی نیوتن در کتاب اصول (زمان و مکان مطلق)، نقد مکانیک دکارتی، نزاع مدل های موجی و ذره ای نور (فرنل، یانگ، پواسون)، و زایش ترمودینامیک و الکترومغناطیس، وزن اصلی تاریخ علم غرب را تشکیل می دهند.

- **فلسفه فیزیک نوین:** بازخوانی مناقشات معرفت شناختی فیزیک کوانتومی پیرامون کنفرانس پنجم سولوی، استدلال EPR، و تعبیرهای رقیب (کپنهاگی، گرایشی، متغیرهای نهان بوهیم و کل گرایی) حضوری پررنگ در ادوار اخیر داشته است.

۵. **رهنمودهای استراتژیک برای مطالعه داوطلبان ۱. پرهیز از حفظ سطحی گزاره ها:** آزمون دکتری به شدت به سمت سناریوهای استدلالی و تحلیل عبارات متنی رفته است؛ بنابراین فهم منطق استدلال فیلسوف بر حفظ نام اثر ارجحیت دارد. ۲. **برقراری ارتباط بین رشته ای:** فلسفه علم معاصر را باید از دریچه فلسفه زبان (کریپکی، پاتنم، کواین) و فلسفه تحلیلی خواند؛ پیوند میان نظریه های ارجاع و دفاع از رئالیسم علمی کلید پاسخ گویی به سؤالات ترکیبی است. ۳. **تطبیق تاریخ علم با مبانی فلسفه علم:** بهترین رویکرد برای تسلط بر تاریخ علم، تحلیل نمونه های تاریخی (Case Studies) با عینک مفاهیم فلسفه علم (مانند تحلیل کار کپلر با ابطال گرایی یا دستاوردهای بویل با استقرار بیکن) است؛ این همان زاویه دیدی است که طراحان سؤالات در سال های اخیر برگزیده اند.

به نام هستی‌بخش دانایی‌آفرین؛ اثر حاضر، ثمره کوششی هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده در بازخوانی، صورت‌بندی منطقی و واکاوی مفهومی سؤالات دوره‌های اخیر آزمون ورودی دکترای تخصصی فلسفه علم (از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) است که با تکیه بر تحلیل‌های ساختاری، پاسخ‌نامه‌های تشریحی-انتقادی سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ و بررسی روند دگرگونی پرسش‌های سنجش آموزش کشور به جامعه علمی، داوطلبان، مدرسان و پژوهشگران این حوزه تقدیم می‌شود. فلسفه علم به عنوان رشته‌ای چندوجهی، عرصه تلاقی معرفت‌شناسی، فلسفه تحلیلی زبان، متافیزیک، منطق ریاضی و تاریخ درونی علوم است؛ از این رو، مواجهه با پرسش‌های کنکور دکتری در این گرایش بیش از آنکه مستلزم به‌خاطر سپاری گسسته گزاره‌ها باشد، نیازمند برخورداری از «بینش استراتژیک»، «تفکر انتقادی» و «شبکه‌سازی مفهومی میان مکاتب» است. این مجموعه با درک این ضرورت بنیادین و برای عبور از کاستی‌های منابع متداول صرفاً تستی تدوین گردیده تا نقش یک راهنمای درسی، پژوهشی و تحلیلی همه‌جانبه را ایفا نماید.

روش‌شناسی تدوین و مهندسی آموزشی اثر روش کار و تدوین این کتاب بر پایه اصول تحقیق متن‌شناختی، تطبیق آزمون‌ها با متون دست‌اول و سنجه‌های آموزشی استوار است: ۱. **دسته‌بندی موضوعی و جدول توزیع فراوانی:** در گام نخست، تمام پرسش‌های ۶ سال اخیر در ۶ حوزه اصلی و ۲۴ سرفصل فرعی تخصصی (شامل منطق، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه معاصر و تحلیلی، فلسفه علم و تاریخ علم) تفکیک و در قالب جداول جامع آماری با نمایش ضرایب، درصدها و اوزان تکرار مدون شده‌اند تا اولویت‌های قطعی بودجه‌بندی آزمون در برابر دیدگان پژوهشگر شفاف گردد. ۲. **تحلیل چندلایه پاسخ‌های تشریحی:** در تنظیم پاسخ‌نامه سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، به جای ارائه یک جواب صوری گذرا، ساختاری روشنمند به کار گرفته شده است؛ هر سؤال با «شناسایی موضوع و مسئله»، «واژه‌شناسی تخصصی اصطلاحات»، «پاسخ تحلیلی-استدلالی»، «نص خوانی و ارجاع به متون مادر»، «تبارشناسی و سیر تطور تاریخی مفاهیم»، «بررسی جزء‌به‌جزء گزینه‌های انحرافی»، «پیوند با نمونه‌های انضمامی تاریخ علم»، «کادرهای جمع‌بندی مقایسه‌ای» و در نهایت «روش‌های میان‌بر و رد گزینه تستی» همراه شده است تا ادراک کاملی از هندسه فکری طراح به مخاطب منتقل شود. ۳. **پوشش دروس مشترک در ساختار نو:** با توجه به تغییر ساختار دفترچه‌ها و مشترک شدن آزمون در قالب کد ۲۱۳۶، پیوند ساختاری و مفهومی میان مباحث فلسفه علم با دروس فلسفه غرب، پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، هرمنوتیک، فلسفه اسلامی (امور عامه، مواد ثلاث و حرکت) و منطق صوری و فلسفی به دقت در تحلیل‌ها لحاظ شده است.

سیر تحولات و جریان‌شناسی آزمون در بازه ۶ ساله

بررسی تطبیقی کنکورهای دکتری از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ از یک دگردیسی معرفتی و ارتقای استاندارد سؤالات پرده برمی‌دارد:

- **چرخش از زبان‌شناسی صوری به متافیزیک و هستی‌شناسی علم:** در سال‌های آغازین این بازه، تمرکز طراحان عمدتاً بر نظریه تأیید پوزیتیویستی، تمایز گزاره‌های تحلیلی و تألیفی و قواعد اولیه ابطال‌گرایی متمرکز بود؛ اما در ادوار متأخر، سهم پرسش‌های ناظر بر هستی‌شناسی علم، به‌ویژه رئالیسم انتقادی روی بسکار (مکانیزم‌های مولد، لایه‌های واقعی، بالفعل و تجربی، و تفکیک ابژه‌های گذرا و ناگذرا)، و مناقشات متافیزیک قوانین طبیعت (دیدگاه‌های مبتنی بر گرایش‌ها و توان‌های علی/Dispositions در برابر سیستم‌گرایی لوئیس و انتظام‌گرایی هیومی) رشد چشمگیری یافته است.
- **تثبیت متفکران کلیدی در فلسفه علم:** ارزیابی دوره‌ها نشان می‌دهد که منظومه فکری پنج فیلسوف محور اصلی آزمون است: کارل پوپر (تحلیل درجه ابطال‌پذیری و نقش معرفت پس‌زمینه در تفاضل درس‌آموزی حدس‌های تهوآمیز و احتیاط‌آمیز)، ایمره لاکاتوش (ساختار برنامه‌های پژوهشی، هسته سخت، کمر بند حفاظتی، و نقش حیاتی تأیید پیش‌بینی‌های بدیع)، توماس کوهن (ساختار انقلاب‌ها، خسران کوهنی، فقدان الگوریتم منطقی در انتخاب پارادایم، و گرانباری نظری مشاهدات)، پل فایرابند (آنارشسیسم معرفت‌شناختی، نفی قواعد جهان‌شمول، و حضور هم‌زمان دو اصل کثرت و پافشاری)، و بس و ن‌فراسن (تجربه‌گرایی برساختی، کفایت تجربی، تفکیک باور از پذیرش، و لادری‌گری نسبت به هویت مشاهده‌ناپذیر) بیش از نیمی از بار نمره بخش فلسفه علم را به خود اختصاص داده‌اند.

- گذار در تاریخ علم از تاریخ‌نگاری نقلی به تاریخ‌نگاری تحلیلی: بخش تاریخ علم (که بیش از ۲۶٪ کل سؤالات آزمون را شامل می‌شود) از پرسش‌های صرفاً گاه‌شمارانه فاصله گرفته و به سمت تحلیل‌های درونی متون رفته است؛ بررسی نوآوری‌های نجومی مکتب مراغه و جفت طوسی در نقد هیئت بطلمیوسی، تحول پارادایمی نورشناسی ابن‌هیثم در پیوند ریاضیات با فیزیک و نقد نظریه صدور شعاع، رساله‌های دقیق خازنی در هیدروستاتیک و ترازوی حکمت، کشف گردش ربوی خون توسط ابن‌نفیس، در کنار تحلیل آثار مستشرقان نامدار (کارلو نالینو در نجوم، ادوارد براون در طب، و پاول کراوس در کیمیای جابری)، ارکان ثابت سؤالات را تشکیل می‌دهند؛ همچنین در تاریخ علم غرب، مناقشات مکانیک نیوتنی پیرامون زمان و مکان مطلق، نزاع مدل‌های موجی و ذره‌ای نور، و چالش‌های معرفت‌شناختی فیزیک کوانتومی (کنفرانس پنجم سولوی و تعبیرهای رقیب) کانون‌های اصلی طرح سؤال بوده‌اند.

ساختار تفصیلی و اجزای تشکیل‌دهنده کتاب

این مجموعه به گونه‌ای سامان یافته است که داوطلب را گام‌به‌گام از سطح آشنایی با سؤالات به تسلط در سطوح عالی دانشگاهی برساند:

- دفتر نخست: جداول تحلیلی و توزیع آماری؛ شامل داده‌های آماری ۶ ساله، نمودارهای بسامد و طبقه‌بندی دقیق سؤالات بر اساس اولویت‌بندی مطالعاتی الف، ب و ج.
- دفتر دوم: تحلیل جامع آزمون‌های دکتری ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵؛ ارائه متن کامل پرسش‌ها همراه با پاسخ‌نامه‌های تشریحی، ارجاعات متنی، تبارشناسی تاریخی، تحلیل تفصیلی گزینه‌های نادرست، و شگردهای تله‌شناسی.
- دفتر سوم: درسنامه‌های مروری و فشرده؛ تدوین چکیده متمرکز مباحث بنیادین فلسفه عمومی، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علم و تاریخ علم دوره اسلامی برای مرور سریع در هفته‌های منتهی به آزمون.
- دفتر چهارم: بخش‌های تکمیلی و کاربردی؛ شامل فرهنگ جامع واژگان و اصطلاحات تخصصی استاندارد جهانی همراه با تعاریف دقیق، اطلس ماتریسی مقایسه مکاتب علم‌شناسی، گاه‌شمار آزمایش‌های جریان‌ساز فیزیک و شیمی، راهنمای رساله‌ها و دانشمندان دوره اسلامی، فرمول‌نامه قواعد منطق و موجهات، چک‌لیست شگردهای حل تست، و راهنمای نگارش پروپوزال و مصاحبه دکتری.

امید است این اثر مرجع، افزون بر هموار ساختن مسیر موفقیت داوطلبان در آزمون ورودی و مصاحبه علمی دوره دکتری تخصصی، به عنوان متنی مدون و ساختاریافته در خدمت جامعه دانشگاهی و علاقه‌مندان به پژوهش‌های بنیادین در حوزه فلسفه و تاریخ علم قرار گیرد.

حسین کفاشیان بیلندی

پاییز ۱۴۰۵

آزمون دکترای فلسفه علم ۱۴۰۵

فلسفه عمومی (فلسفه اسلامی – فلسفه غرب)



۱. در کدام عبارت هر سه نفر از شارحین سهروردی محسوب میشوند؟
 - (۱) خواجه نصیرالدین طوسی، ابن کمونه، علامه حلی
 - (۲) میرداماد، حاج ملاهادی سبزواری، شیخ احمد احسایی
 - (۳) ابوالبرکات بغدادی، جلال الدین دوانی، رجبعلی تبریزی
 - (۴) شمس الدین شهرزوری، قطب الدین شیرازی، جلال الدین دوانی
۲. کدام یک مثال نقضی بر نظریه اضافه در مبحث وجود ذهنی است؟
 - (۱) علم به طلا و جیوه
 - (۲) علم به کوه طلا و دریای جیوه
 - (۳) علم به هرگونه محسوس خارجی
 - (۴) علم توأمان به اسب و نقاشی اسب
۳. طبق نظر سهروردی کسانی در بالاترین طبقه حکما هستند که
 - (۱) در سلسله موجودات آسمانی و روحانی قرار گرفته اند.
 - (۲) به معرفت صوری واصل شده اند و در استدلال به کمال رسیده اند.
 - (۳) هم در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند و هم به عرفان و اشراق دست یافته اند.
 - (۴) به استدلال و بحث توجهی ندارند و به تصفیه نفس پرداخته و به کشف و شهود نائل شده اند.
۴. با توجه به مباحث مطرح شده درباره اعراض معلوم میشود که وجود آنها
 - (۱) سبب طرد عدم از موضوع خود و صورتهای جوهری میشود.
 - (۲) از نوع وجود لغیره است که سبب موجود شدن موضوع خود میشود.
 - (۳) از نوع وجود لنفسه است که تنها سبب طرد عدم از ماهیت خود میشود.
 - (۴) سبب طرد عدم از ماهیت خود و نیز طرد نوعی از عدم از موضوع خود میشود.
۵. کدام یک از اشکالات گرفته شده بر نظریه وجود ذهنی نیست؟
 - (۱) یک چیز هم کلی و هم جزئی باشد.
 - (۲) علم به معدومات خارجی نداشته باشیم.
 - (۳) خود ماهیت خارجی در ذهن حاصل شود.
 - (۴) نفس و ذهن محل جمع اضداد گردد.
۶. کدام یک از انواع تغییر مقرون با حرکت است؟
 - (۱) فقط تغییر دفعی
 - (۲) تمامی انواع تغییر
 - (۳) فقط تغییر تدریجی
 - (۴) فقط تغییر شیء در احوال عرضی آن
۷. عبارت «هو الذی له اراده و علم بفعله قبل الفعل بداع زائد» از چه فاعلی حکایت میکند؟
 - (۱) بالقصد
 - (۲) بالعنايه
 - (۳) بالرضا
 - (۴) بالتجلی
۸. بر اساس مقدمه حکمه الاشراق دیدگاه سهروردی درباره ثنویت موجود در آیین زرتشت و آیین مانی چیست؟
 - (۱) اولی به توحید باز میگردد ولی دومی شرک آمیز است.
 - (۲) دومی به توحید باز میگردد ولی اولی شرک آمیز است.
 - (۳) هر دو به توحید باز میگردند.
 - (۴) هر دو شرک آمیزند.



۹. کدام مورد دیدگاه علامه طباطبایی درباره صفات ذاتی خداوند را به طور کامل بیان میکند؟
 (۱) از نظر مفهوم و مصداق عین هم هستند.
 (۲) از نظر مفهوم و مصداق متفاوت هستند.
 (۳) از نظر مفهوم متفاوت ولی از نظر مصداق عین هم اند.
 (۴) از نظر مصداق متفاوت ولی از نظر مفهوم عین هم اند.
۱۰. کدام مورد نظر مشائیان درباره اعراض را بیان میکند؟
 (۱) تنها به علل ماهیت نیازمندند.
 (۲) تنها به علل وجود نیازمندند نه علل ماهیت
 (۳) هم به علل وجود نیازمندند و هم به علل ماهیت
 (۴) بعضی از اعراض به علل وجود و برخی به علل ماهیت نیازمندند.
۱۱. کدام مورد از اوصاف دوره رنسانس (نوزایی فرهنگی) است؟
 (۱) اقتدار مذهبی
 (۲) رواج ارسطوگرایی
 (۳) رواج افلاطون گرایی
 (۴) مخالفت با نگرش ریاضی
۱۲. کدام فیلسوف هرمنوتیک را به صورت یک علم عام در آورد؟
 (۱) ارسطو
 (۲) دیلتای
 (۳) گادامر
 (۴) شلایر ماخر
۱۳. در نیمه اول قرون وسطی کدام فیلسوف آثار منطقی ارسطو را به جهان لاتینی زبان معرفی کرد؟
 (۱) اریوگنس (اریژن)
 (۲) آگوستینوس
 (۳) بوئتیوس
 (۴) خالکیدیوس (کالسیدیوس)
۱۴. توماس آکوئیناس در خصوص کلی بعد از شیء (بعد الکثرة)، کدام عقیده را ترجیح میدهد؟
 (۱) اصالت مفهوم ارسطویی
 (۲) اصالت تسمیه معتدل
 (۳) اصالت واقع افراطی
 (۴) اصالت واقع معتدل
۱۵. کدام یک از موارد زیر با امر مطلق کانت مطابقت نمی کند؟
 (۱) ما باید به دستوری عمل کنیم که بتواند به قانون کلی مبدل شود.
 (۲) ما باید به دستوری عمل کنیم که انسانیت را به عنوان وسیله تلقی نکند.
 (۳) ما باید به دستوری عمل کنیم که برای ملکوت غایبات قانون کلی وضع کند.
 (۴) ما باید به دستوری عمل کنیم که اراده به واسطه آن نتواند خود را همچون بنیانگذار قانون کلی تلقی کند.
۱۶. کدام مورد با سه تای دیگر همخوانی ندارد؟
 (۱) خیر افلاطون
 (۲) عقل کلی افلوپین
 (۳) واحد پارمنیدس
 (۴) عقل عقل ارسطو
۱۷. موضع مفهوم گرایی در مبحث کلیات در قرون وسطی به کدام فیلسوف یونانی نسبت داده میشود؟
 (۱) ارسطو
 (۲) افلوپین
 (۳) افلاطون
 (۴) پورون
۱۸. هگل هنر رمانتیک را برتر از سایر هنرها میداند چون در هنر رمانتیک
 (۱) صورت بر محتوا غلبه دارد.
 (۲) محتوا فراتر از صورت میرود.
 (۳) بین محتوا و صورت توازی برقرار است.
 (۴) نه صورت نه محتوا نمیتوانند بیانگر روح باشند.
۱۹. کدام فیلسوف عقل گرا زمان و مکان را نسبت میان رویدادها و اشیاء میداند؟
 (۱) اسپینوزا
 (۲) دکارت
 (۳) لایب نیتس
 (۴) مالبرانش
۲۰. به نظر کانت جستجوی امر نامشروط (مطلق) توسط عقل از طریق قیاس انفصالی به شکل گیری کدام مفهوم می انجامد؟
 (۱) خدا
 (۲) اراده
 (۳) جهان
 (۴) نفس



موضوع سوال:

این سؤال به یکی از مباحث پایه‌ای در تاریخ فلسفه اسلامی، یعنی شناخت شارحان مکتب اشراق و جریان‌شناسی انتقال اندیشه‌های شهاب‌الدین یحیی سهروردی اختصاص دارد. در اینجا تسلط بر کتاب‌شناسی و تبارشناسی فلاسفه پس از سهروردی مورد پرسش قرار گرفته است.

پاسخ تشریحی

حکمت اشراق سهروردی پس از کشته شدن وی، توسط شاگردان بی‌واسطه و باواسطه او در قالب شروح متعددی بر آثار اصلی‌اش بسط یافت. در گزینه چهارم، هر سه شخصیت از شارحان مسلم و تأثیرگذار سهروردی به شمار می‌روند:

- **شمس‌الدین شهرزوری:** نخستین شارح بزرگ مکتب اشراق که هم بر «حکمة الاشراق» و هم بر «التلویحات» سهروردی شرح نوشت و رسالت حفظ و ترویج میراث او را در قرن هفتم بر عهده داشت.
- **قطب‌الدین شیرازی:** از نوابغ قرن هفتم و هشتم که مشهورترین و متداول‌ترین «شرح حکمة الاشراق» را به نگارش درآورد. شرح او همواره به عنوان متن درسی مکتب اشراق در حوزه‌های فلسفی تدریس شده است.
- **جلال‌الدین دوانی:** از فلاسفه برجسته مکتب شیراز در قرن نهم که کتاب «شواکل الحور فی شرح هیاکل النور» را در شرح رساله «هیاکل النور» سهروردی به رشته تحریر درآورد.

مستندسازی

قطب‌الدین شیرازی در دیباچه شرح خود بر حکمة الاشراق در بیان عظمت این متن می‌نویسد: «فإن کتاب حکمة الإشراق... قد طار صيته فی الآفاق، و اشتهر فی الخلائق ذکره...» (همانا آوازه کتاب حکمة الاشراق در کرانه‌ها پیچیده و یاد آن در میان مردمان شهره گشته است). این عبارات نشان‌دهنده جایگاه تثبیت‌شده متون سهروردی در کمتر از یک قرن پس از حیات اوست که ضرورت نگارش شروح تحلیلی را برای فلاسفه بعدی ایجاب می‌کرد.

سیر تطور تاریخی

پس از سهروردی، مکتب اشراق دچار فترت کوتاهی شد تا اینکه در قرن هفتم توسط شهرزوری و سپس قطب‌الدین شیرازی مجدداً احیا گردید. این شروح، فلسفه اشراقی را که زبانی نمادین و نوری داشت، با ادبیات استدلالی و مشائی ممزوج کردند تا برای جامعه علمی قابل فهم‌تر باشد. این مسیر تکاملی سپس از طریق مکتب شیراز (دوانی و دشتکی) به حکمت متعالیه ملاصدرا منتقل شد و شالوده بسیاری از مبانی صدرایی را شکل داد.

شرح شخصیت‌ها

- **ابن کمونه:** اندیشمند یهودی‌تبار قرن هفتم که گرچه در گزینه اول ذکر شده، اما یکی از شارحان مهم سهروردی است و «شرح التلویحات» از آثار برجسته اوست.
- **خواجه نصیرالدین طوسی:** احیاگر مکتب مشاء و شارح بزرگ ابن‌سینا («شرح الاشارات و التنبیهات»). او گرایشی به مکتب اشراق نداشت.
- **ابوالبرکات بغدادی:** فیلسوفی مستقل و منتقد ابن‌سینا که پیش از سهروردی و مقارن با او می‌زیست («المعتبر فی الحکمة») و شارح کسی محسوب نمی‌شود.

واژه‌شناسی

- **فلسفه اشراق (Illuminationism):** مکتبی فلسفی که توسط سهروردی پایه‌گذاری شد و در برابر رویکرد صرفاً استدلالی و مفهوم‌محور مکتب مشاء (Peripateticism)، بر ترکیب «استدلال عقلی» (بحث) و «شهود قلبی» (تأله) تأکید دارد. هستی‌شناسی این مکتب بر پایه «نور» و مراتب شدت و ضعف آن بنا شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱:** خواجه نصیرالدین طوسی شارح ابن‌سینا (مشاء) است و علامه حلی عمدتاً متکلم و فقیه است و هیچ‌کدام شارح سهروردی نیستند. در این گزینه تنها ابن‌کمونه شارح سهروردی است.



- **تحلیل گزینه ۲:** میرداماد پایه‌گذار مکتب اصفهان، ملاهادی سبزواری شارح و مروج حکمت متعالیه صدرایی، و شیخ احمد احسائی بنیان‌گذار مکتب شیخیه است. هیچ‌یک از این افراد به عنوان شارح متون سهروردی شناخته نمی‌شوند.
- **تحلیل گزینه ۳:** ابوالبرکات بغدادی صاحب مکتبی مستقل است و رجبعلی تبریزی از فلاسفه دوره صفویه با گرایش تنزیهی (الهیات سلبی) است. حضور جلال‌الدین دوانی در این گزینه به تنهایی برای درستی آن کفایت نمی‌کند.

نکات تکمیلی

شروح نوشته شده بر آثار سهروردی صرفاً ماهیت فلسفی نداشتند؛ بلکه به دلیل ظرفیت بالای حکمت اشراق در تبیین تجربیات شهودی، این متون به شدت مورد توجه عرفای نظری (پیروان ابن عربی) نیز قرار گرفت. تطبیق زبان «نور» در مکتب اشراق با زبان «وجود» در عرفان نظری، از طریق همین شروح پایه‌گذاری شد.

کادرهای جمع‌بندی

شارح	قرن حیات	اثر مشهور در شرح سهروردی	رویکرد کلی
شمس‌الدین شهرزوری	هفتم هجری	شرح حکمة الاشراق / شرح التلویحات	وفاداری کامل به مبانی و لحن اشراقی
قطب‌الدین شیرازی	هفتم و هشتم	شرح حکمة الاشراق	تبیین و سیستم‌سازی منطقی متون اشراقی
جلال‌الدین دوانی	نهم هجری	شواکل الحور فی شرح هیاکل النور	ترکیب مبانی اشراقی با کلام و مکتب شیراز
ابن کمونه	هفتم هجری	شرح التلویحات	رویکرد تحلیلی و انتقادی

راه حل تستی

تکنیک رد گزینه: در آزمون‌های دکترای، طراحان معمولاً اسامی بسیار مشهور را که تعلق مکتبی مشخصی دارند به عنوان «کلمات کلیدی انحرافی» در گزینه‌های غلط قرار می‌دهند. با دیدن نام «خواجه نصیرالدین طوسی» (نماد مکتب مشاء) در گزینه ۱، «حاج ملاهادی سبزواری» (نماد حکمت متعالیه) در گزینه ۲، و «ابوالبرکات بغدادی» (مستقل) در گزینه ۳، بلافاصله می‌توان هر سه گزینه را بدون نیاز به بررسی سایر اسامی رد کرد و در کمتر از ۱۰ ثانیه به پاسخ صحیح (گزینه ۴) دست یافت.

ایده برای مصاحبه دکترای

برای درخشش در مصاحبه دکترای پیرامون جریان‌شناسی مکتب اشراق، مطالعه جلد دوم کتاب *تاریخ فلسفه اسلامی* اثر هانری کربن (بخش مربوط به شارحان سهروردی) به شدت توصیه می‌شود. همچنین، بررسی انتقادی این موضوع که «قطب‌الدین شیرازی تا چه حد در شرح خود آرای سهروردی را با مبانی مشائی ابن‌سینا خلط کرده است»، می‌تواند یک ایده ناب و بدیع برای رساله دکترای یا تدوین مقالات علمی-پژوهشی باشد.

۲. گزینه ۲

موضوع سوال: این سؤال یکی از مهم‌ترین چالش‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در فلسفه اسلامی، یعنی اثبات «وجود ذهنی» و ابطال نظریه رقیب آن (نظریه اضافه) را هدف قرار داده است. تبیین نحوه علم انسان به امور معدوم و موهوم، پاشنه آشیل نظریه اضافه به شمار می‌رود.

پاسخ تشریحی

در مبحث چیستی علم، یکی از نظریات مطرح (که غالباً به فخر رازی و برخی متکلمان نسبت داده می‌شود)، «نظریه اضافه» است. بر اساس این دیدگاه، علم صرفاً یک نسبت و اضافه میان «عالم» (نفس درک‌کننده) و «معلوم» (شیء خارجی) است و هیچ صورت یا وجود مستقلی در ذهن شکل نمی‌گیرد.

قاعده عقلی اقتضا می‌کند که «الاضافة تقتضی وجود المضافین» (تحقق یک رابطه، نیازمند وجود قطعی دو طرف آن رابطه است). بنابراین، اگر علم صرفاً یک اضافه باشد، باید معلوم همواره در خارج موجود باشد تا این رابطه شکل بگیرد. حال فیلسوفان برای ابطال



این نظریه، به «مفاهیم موهوم و معدوم» استناد می‌کنند. ما به مفاهیمی چون «کوه طلا» (جبل من ذهب) یا «دریای جیوه» (بحر من زئبق) علم داریم و می‌توانیم درباره آن‌ها حکم صادر کنیم؛ در حالی که این اشیاء در جهان خارج وجود ندارند. از آنجا که یک طرف اضافه (معلوم خارجی) مفقود است، علم نمی‌تواند صرفاً یک اضافه باشد؛ بلکه این مفاهیم باید در ظرف دیگری به نام «ذهن» موجود باشند. این استدلال، برهان قاطعی بر اثبات وجود ذهنی است.

مستندسازی

ملاصدرا در کتاب عظیم/الاسفار/الرابعة در ابطال نظریه اضافه و اثبات وجود ذهنی می‌نویسد:
«لو كان العلم مجرد الإضافة لزم أن لا يعلم المعدوم... ولكننا نعلم المعدومات ونحكم عليها بأحكام إيجابية...» (اگر علم صرفاً همان اضافه می‌بود، لازمه‌اش این بود که به امر معدوم نتوان علم پیدا کرد... در حالی که ما به معدومات علم داریم و احکام ایجابی بر آن‌ها بار می‌کنیم).

سیر تطور تاریخی

ریشه این بحث به تقابل متکلمان و فلاسفه بازمی‌گردد. متکلمان برای فرار از شبهه انطباق کبیر در صغیر (چگونه کوه با آن عظمت در ذهن کوچک جا می‌گیرد)، نظریه اضافه را مطرح کردند. اما فلاسفه مشاء (ابن‌سینا) با طرح تجرد صورت علمیه و سپس فیلسوفان حکمت متعالیه (ملاصدرا) با ارتقای آن به «اتحاد عاقل و معقول»، نشان دادند که علم از سنخ وجود است، نه صرفاً یک نسبت عرضی.

شرح شخصیت‌ها

- **امام فخر رازی:** متکلم و فیلسوف برجسته قرن ششم هجری. او در کتاب *المباحث المشرقية*، دیدگاه‌های چالشی فراوانی در باب چیستی علم مطرح کرده و از مدافعان سرسخت تحلیل علم به عنوان «اضافه» در مقاطعی از اندیشه خود بوده است که بعدها توسط خواجه نصیر و ملاصدرا نقد شد.

واژه‌شناسی

- **نظریه اضافه (Relational Theory of Knowledge):** رویکردی که در آن فعل شناخت، فاقد محتوای بازنمایی‌کننده (Representational) درونی است و صرفاً یک پل ارتباطی نامرئی میان فاعل شناسا و عین خارجی است.
- **وجود ذهنی (Mental Existence):** نظریه بنیادین فلسفه اسلامی که معتقد است اشیاء علاوه بر وجود خارجی دارای آثار، دارای یک نحوه وجود در ظرف نفس (بدون آثار خارجی) هستند تا فرایند علم و آگاهی محقق شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱: «طلا» و «جیوه»** هر دو عناصری هستند که در جهان خارج وجود دارند. علم به آن‌ها می‌تواند با نظریه اضافه توجیه شود، زیرا دو طرف رابطه (عالم و عناصر خارجی) موجودند. لذا این گزینه مثال نقض نیست.
- **تحلیل گزینه ۳: محسوسات خارجی دقیقاً همان مواردی هستند که نظریه اضافه بر اساس آن‌ها بنا شده است.** علم به محسوس خارجی، مؤید نظریه اضافه است، نه ناقض آن.
- **تحلیل گزینه ۴: «اسب» و «نقاشی اسب»** نیز هر دو اموری دارای تحقق خارجی هستند (یکی جوهر و دیگری عرض/اصنعت در خارج). بنابراین علم به آن‌ها خللی به نظریه اضافه وارد نمی‌کند.

نکات تکمیلی

در فلسفه تحلیلی معاصر و پدیدارشناسی هوسرل، مفهوم «*حيث التفاتی*» (Intentionality) یا جهت‌مندی آگاهی، شباهت‌های ساختاری با مبحث علم در فلسفه اسلامی دارد. فرانتس برنتانو نیز در مواجهه با مسأله «متعلقات ناموجود» (مثل کوه طلا)، نظریه «درون‌مندی التفاتی» را مطرح کرد که از حیث دغدغه معرفت‌شناختی، با برهان فیلسوفان اسلامی برای اثبات وجود ذهنی هم‌راستا است.



کادرهای جمع‌بندی

مؤلفه	نظریه اضافه در علم	نظریه وجود ذهنی
ماهیت علم	نسبت و رابطه‌ای از مقوله مضاف	کیف نفسانی (در مشاء) / وجود مجرد (در متعالیه)
وضعیت معلوم	الزاماً باید در خارج موجود باشد	می‌تواند معدوم یا موهوم محض در خارج باشد
نقطه قوت	تبیین ساده ادراک حسی اشیاء	تبیین جامع تمام ادراکات (کلی، خیالی، معدومات)
مثال نقض (پاشنه آشیل)	مفاهیمی چون سیمرغ، کوه طلا، شریک الباری	شبهه انطباع کبیر در صغیر (که با مجرد نفس حل می‌شود)

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌های مربوط به وجود ذهنی و نظریه اضافه، کلمه کلیدی در ذهن داوطلب باید «معدومات و موهومات» باشد. به محض رؤیت کلمه «مثال نقض»، چشمان شما باید در گزینه‌ها به دنبال مفهومی بگردد که در دنیای واقعی وجود فیزیکی ندارد. کوه طلا و دریای جیوه (مفاهیم موهوم ترکیبی) سریع‌ترین و قطعی‌ترین مسیر برای رد سه گزینه دیگر است که همگی ناظر به موجودات واقعی هستند.

ایده برای مصاحبه دکتری

اگر در جلسه مصاحبه از شما خواستند تا وجود ذهنی را در حکمت متعالیه اثبات کنید، به جای ارجاع به ادراک حسی، فوراً بحث «علم به محالات ذاتی» (مانند اجتماع نقیضین) و «موهومات» را پیش بکشید. توصیه می‌شود برای تسلط بی‌رقیب بر این مبحث، مباحث «سفر اول، موقف اول» از کتاب *الاسفار الاربعه* ملاصدرا را با دقت مرور کنید تا بتوانید نشان دهید چگونه ضعف متکلمان در فهم نظریه اضافه، منجر به شکل‌گیری یکی از باشکوه‌ترین نظریات هستی‌شناسانه اسلامی شد.

گزینه ۳. ۳.

موضوع سوال: گزینه ۳ صحیح است. این سؤال به مبحث بنیادین «طبقه‌بندی حکما و جویندگان معرفت» در مقدمه کتاب *حکمة الاشراق* سهروردی اشاره دارد و شاکله اصلی معرفت‌شناسی مکتب اشراق را که مبتنی بر تلفیق و هم‌افزایی عقل و شهود است، مورد سنجش قرار می‌دهد.

پاسخ تشریحی

سهروردی (شیخ اشراق) در دیباچه کتاب *حکمة الاشراق*، سالکان و طالبان حکمت را بر اساس میزان بهره‌مندی آن‌ها از دو بال «بحث و استدلال عقلی» و «تأله و شهود قلبی» به طبقات مختلفی تقسیم می‌کند. از دیدگاه او، کمال حقیقی در فلسفه زمانی محقق می‌شود که فیلسوف ابتدا ذهن خود را با منطق و برهان (بحث) صیقل دهد و سپس با تصفیه باطن، به کشف و شهود انوار الهی (تأله) دست یابد. کسی که جامع هر دو کمال باشد، «حکیم متأله متبحر در بحث» نامیده می‌شود و از نظر سهروردی، ریاست تامه و خلافت الهی بر روی زمین منحصرأ مختص اوست. بنابراین، بالاترین طبقه، متعلق به کسانی است که هم در استدلال عقلانی و هم در اشراق باطنی به غایت کمال رسیده باشند.

مستندسازی

سهروردی در مقدمه *حکمة الاشراق* در توصیف مراتب فلاسفه می‌نویسد: «الرئاسة لا تكون إلا للمتأله المتبحر فی البحث، فإن لم يتفق فالتأله المتوغل فی التأله لا للباحث الذی لا تأله له...» (ریاست تامه الهی جز برای حکیم متألهی که در بحث و استدلال نیز متبحر و عمیق باشد، سزاوار نیست. اگر چنین کسی در زمانه‌ای یافت نشد، این مقام از آن متألهی است که در شهود غرق شده است، نه از آن فیلسوف باحثی که از تأله بی‌بهره است).



سیر تطور تاریخی

پیش از سهروردی، در مکتب مشاء (توسط بزرگانی چون فارابی و ابن‌سینا)، کمال فیلسوف صرفاً در توانمندی استدلالی و قیاسی (عقل نظری) تعریف می‌شد. در نقطه مقابل، صوفیه و عرفا تنها بر ریاضت و کشف تأکید داشتند و استدلال را پای چوبین می‌دانستند. سهروردی با ابداع مکتب اشراق، این دو مسیر تاریخی موازی را به هم گره زد و اعلام کرد که برهان بدون شهود، کور است و شهود بدون برهان، گنگ و مستعد لغزش. این سنت تلفیقی، بعدها توسط ملاصدرا به عنوان یک اصل روش‌شناختی پذیرفته شد و به اوج کمال خود در «حکمت متعالیه» رسید.

شرح شخصیت‌ها

- **شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شیخ اشراق):** فیلسوف نابغه قرن ششم هجری (مقتول در ۵۸۷ ق). او منتقد سرسخت انحصارگرایی عقلانیت مشائی بود و با نگارش آثاری چون *حکمة الاشراق*، *التلویحات*، *المقاومات* و *المطارحات*، طرحی نو در سپهر اندیشه اسلامی درانداخت و فلسفه نوری-شهودی را پایه‌گذاری کرد.

واژه شناسی

- **تأله (Theosophy / Divine Wisdom):** در ادبیات اشراقی، تأله به معنای خداگونگی و رسیدن به درک مستقیم، حضوری و شهودی از حقایق نوری از طریق تصفیه نفس و تهذیب باطن است؛ مرتبه‌ای که فراتر از صرف دانستن مفهومی (Philosophy) قرار می‌گیرد و به «شدن» و «چشیدن» (ذوق) ارتقا می‌یابد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱:** قرار گرفتن در سلسله موجودات آسمانی (مانند عقول مجرده یا انوار قاهره) یک وضعیت تکوینی و ماهوی خارج از اراده و سلوک بشری است، در حالی که طبقه‌بندی مورد بحث سهروردی، ناظر به درجات کمال انسان‌های سالک و حکما در عالم خاکی است.
- **تحلیل گزینه ۲:** این گزینه منحصرأ توصیف‌کننده «حکیم باحث» (فیلسوفان مشائی) است. از نظر سهروردی این گروه در مراتب پایین‌تری از حکمای متأله قرار دارند، زیرا تنها به نیمی از حقیقت (استدلال مفهومی) دست یافته‌اند و از چشیدن طعم اصیل حقیقت در مقام شهود محرومند.
- **تحلیل گزینه ۴:** این گزینه توصیف‌کننده «حکیم متأله فاقد بحث» (عرفای بی‌بهره از منطق، نظیر بایزید بسطامی یا تستری) است. این گروه اگرچه از دیدگاه سهروردی از فلاسفه صرفاً باحث بالاترند، اما در بالاترین طبقه قرار نمی‌گیرند؛ زیرا فاقد ابزار منطقی برای تبیین عقلانی مشاهدات خود و دفع شبهات منکرین هستند.

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌هایی که به ماهیت معرفت‌شناسی مکاتب ترکیبی (اشراق سهروردی یا حکمت متعالیه ملاصدرا) می‌پردازند، کلمه کلیدی در گزینه‌ها عبارت است از «هم... و هم...» (جامعیت). گزینه‌هایی که تنها بر یک جنبه انحصاری تأکید می‌کنند (مانند گزینه‌های ۲ و ۴ که کمال را فقط در استدلال یا فقط در شهود می‌دانند)، تله‌های تک‌بعدی طراح هستند. با تشخیص این الگو، در کسری از ثانیه گزینه ۳ انتخاب می‌شود.

ایده برای مصاحبه دکتری

برای تسلط بی‌رقیب در جلسه مصاحبه پیرامون معرفت‌شناسی اشراقی، مطالعه تحلیلی «مقدمه حکمة الاشراق» به تصحیح هانری کربن اکیداً توصیه می‌شود. یک ایده بسیار جذاب برای تدوین پروپوزال دکتری، مقایسه تطبیقی «حکیم متأله جامع» در اندیشه سهروردی با ایده «فیلسوف-پادشاه» (Philosopher King) در جمهوری افلاطون است؛ تبیین اینکه چگونه سهروردی سیاست و کشورداری آرمانی را مستقیماً به اتصال با انوار الهی گره می‌زند.

۴. گزینه ۴

موضوع سوال: این سؤال به یکی از ظریف‌ترین مباحث هستی‌شناسی (آنتولوژی) در فلسفه اسلامی، یعنی تحلیل نحوه هستی «عرض» و رابطه وجودی آن با «موضوع» (جوهر پذیرنده عرض) می‌پردازد. تبیین دقیق کارکرد عرض در طرد عدم (از بین بردن نیستی)، کلید درک صحیح این گزاره است.



پاسخ تشریحی

در فلسفه اسلامی، موجودات امکانی به دو دسته جوهر (موجودی که در تحقق خود نیاز به موضوع ندارد) و عرض (موجودی که برای تحقق نیازمند موضوع است) تقسیم می‌شوند. وقتی یک عرض (مانند رنگ سفیدی، یا علم) به وجود می‌آید، دارای دو حیثیت است: نخست اینکه این عرض فی‌نفسه یک «حقیقت و وجود» است، پس با به وجود آمدنش، «نیستی مطلق» را از ماهیت خودش دور می‌کند (طرد عدم از ماهیت خود).

دوم اینکه چون عرض، وجودش متکی به غیر (لغیره) است، پس از تحقق در موضوع خود، یک ویژگی یا کمال جدید به آن جوهر می‌بخشد. عرض نمی‌تواند اصل وجود موضوع را به آن بدهد (زیرا موضوع باید پیش از عرض موجود باشد تا بتواند آن را بپذیرد)، بلکه عرض، یک «عدم نعتی» یا «عدم مقید» را از موضوع طرد می‌کند. برای مثال، وقتی سفیدی (عرض) بر جسم (موضوع) عارض می‌شود، «نبود سفیدی» (نوعی از عدم) را از جسم طرد کرده و آن را تبدیل به «جسم سفید» می‌کند. از این رو، عرض سبب طرد عدم از ماهیت خود و طرد نوعی از عدم (عدم وصفی) از موضوع خود می‌شود.

مستندسازی

علامه طباطبایی در *نهایة الحکمة* در تبیین دقیق این قاعده (که ریشه در مبانی صدرایی دارد) می‌نویسد: «وجود العرض فی نفسهِ هو عینهُ وجودهُ لموضوعه...» (وجود عرض در ذات خودش، عیناً همان وجودش برای موضوعش است). این عبارت نشان می‌دهد که عرض به محض طرد عدم از خود (وجود فی‌نفسه)، بالضروره اثری در موضوع می‌گذارد که همان طرد عدم وصفی (وجود لموضوعه) است.

سیر تطور تاریخی

مبحث جوهر و عرض ریشه در منطق و مابعدالطبیعه ارسطو دارد. ابن‌سینا در مکتب مشاء، با تدقیق در مفهوم «موجود فی موضوع»، مرزهای عرض را شفاف‌تر کرد. اما این ملاصدرا بود که در حکمت متعالیه با طرح «وجود رابط» و «رابطه تضایف»، نشان داد که وجود عرض، چیزی جز فقر و وابستگی به موضوع نیست و اثر آن در موضوع، صرفاً استکمالی (طرد عدم مقید) است نه ایجاد (طرد عدم مطلق).

شرح شخصیت‌ها

- **علامه سید محمدحسین طباطبایی:** فیلسوف نوصدرایی معاصر و صاحب دو کتاب مرجع *بداية الحکمة* و *نهایة الحکمة*. او در این کتب، مباحث پیچیده اسفار را با زبانی تحلیلی و پیراسته بازنویسی کرد. تبیین‌های او در باب نسبت عرض و موضوع، امروزه مبنای طراحی بسیاری از سؤالات آزمون دکتری است.

واژه‌شناسی

- **جوهرگرایی (Substantialism):** دیدگاهی هستی‌شناختی که معتقد است واقعیت بنیادین جهان از جوهرها (هویت‌های مستقل و پایدار) تشکیل شده و اعراض (کیفیت‌ها، کمیت‌ها، زمان و مکان) صرفاً حالات و وابسته‌های طفیلی این جواهرند.

بررسی سایر گزینه‌ها

- **تحلیل گزینه ۱:** عرض سبب طرد عدم از صورتهای جوهری نمی‌شود. صورت جوهری (مانند صورت نباتی یا حیوانی) مقوم اصل وجود شیء است و پیش از اعراض و توسط علل ایجاد به وجود می‌آید، نه توسط عرض.
- **تحلیل گزینه ۲:** عرض سبب «موجود شدن» موضوع خود نمی‌شود. قاعده فلسفی می‌گوید: «ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المُثَبَّتِ لَهُ» (ثابت شدن یک چیز برای چیز دیگر، فرع بر این است که آن چیز دیگر از قبل موجود باشد). موضوع باید موجود باشد تا عرض بر آن عارض شود.
- **تحلیل گزینه ۳:** وجود عرض تنها سبب طرد عدم از ماهیت خود نمی‌شود (وجود فی‌نفسه)، بلکه چون «وجود لغیره» نیز هست، حتماً اثری در موضوع می‌گذارد (طرد نوعی عدم از موضوع). قید «تنها» در این گزینه عامل بطلان آن است.

نکات تکمیلی

در فیزیک مدرن، مفاهیمی چون «جرم»، «بار الکتریکی» و «سرعت» را می‌توان معادل‌های علمی اعراض در نظر گرفت. یک ذره زیراتمی (شبه‌جوهر) پیش از داشتن سرعت خاص، فاقد آن وصف (عدم مقید) است. عروض انرژی حرکتی بر آن، تنها «عدم سرعت» را از آن طرد می‌کند، نه اینکه به اصل آن ذره، وجود بنیادین ببخشد.



کادرهای جمع‌بندی

نوع موجود امکانی	نحوه وجود	اثر در خود ماهیت	اثر در موضوع	تقدم و تأخر
جوهر	وجود فی نفسه لنفسه	طرد عدم مطلق از ماهیت خود	نیاز به موضوع ندارد	مقدم بر عرض است
عَرَض	وجود فی نفسه لغیره	طرد عدم مطلق از ماهیت خود	طرد عدم نعتی (وصفی) از موضوع	متأخر از موضوع است

راه حل تستی

تکنیک رد گزینه: در سؤالات مربوط به علت و معلول یا جوهر و عرض، همواره به واژگان نشان‌دهنده «علیت ایجابی» حساس باشید. در گزینه ۲، عبارت «سبب موجود شدن موضوع» یک خطای فاحش فلسفی است، زیرا عرض معلول موضوع (در علت مادی) است و معلول نمی‌تواند علت خود را به وجود بیاورد. همچنین در گزینه ۳، کلمه حصرگرای «تنها» یک هشدار جدی است که در ۹۰ درصد مواقع گزینه را باطل می‌کند. با حذف سریع این دو، تمرکز روی تفاوت ظریف گزینه‌های ۱ و ۴ باقی می‌ماند.

ایده برای مصاحبه دکتری

در جلسه مصاحبه، اگر بحث به هستی‌شناسی کشیده شد، می‌توانید با تفکیک میان «عدم محمولی» (نیستی مطلق) و «عدم نعتی» (نیستی یک صفت خاص) مهارت خود را در ادبیات فلسفی به رخ بکشید. توضیح اینکه چگونه «وجود لغیره» در اعراض، مقدمه‌ای برای نظریه «حرکت جوهری» ملاصدرا شد (زیرا تحول اعراض بدون تحول در ذات موضوع ممکن نیست)، یک ایده درخشان برای بحث و حتی پایه‌ریزی مقالات پژوهشی است.

۵. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال مستقیماً روی مرز میان «ادله اثبات» و «شبهات و اشکالات» در مبحث پیچیده «وجود ذهنی» دست گذاشته است. تشخیص اینکه کدام گزاره نقش سلبی (اشکال) و کدام گزاره نقش ایجابی (برهان) دارد، کلید حل این تست است.

پاسخ تشریحی

پس از آنکه فلاسفه برای توجیه فرایند ادراک، نظریه «وجود ذهنی» (حصول عین ماهیت شیء خارجی در ذهن) را مطرح کردند، متکلمان (به‌ویژه فخر رازی) شبهات و اشکالات منطقی سنگینی بر آن وارد ساختند. این اشکالات عمدتاً بر این محور می‌چرخیدند که اگر عین ماهیت خارجی به ذهن بیاید، تناقضات محالی رخ می‌دهد:

- **شبهه صدق کلی و جزئی (گزینه ۱):** صورتی که در ذهن است، از آن جهت که قابل انطباق بر افراد کثیر است، «کلی» است؛ اما از آن جهت که یکی از کیفیات نفس شخصی من است، «جزئی» است. پس یک چیز واحد هم کلی است و هم جزئی، و این تناقض است.
 - **شبهه انقلاب ماهیت یا اندراج تحت مقولتین (گزینه ۳):** اگر ماهیت جوهر (مثل درخت) به ذهن بیاید، چون در موضوعی به نام ذهن قرار گرفته، تبدیل به «عرض» (کیف نفسانی) می‌شود. یعنی شیء واحد، ذاتاً هم جوهر است و هم عرض؛ در حالی که این دو، اجناس عالیّه و متباین هستند.
 - **شبهه اجتماع اضداد (گزینه ۴):** اگر انسان دو امر متضاد (مثل گرما و سرما، یا سیاهی و سفیدی) را همزمان تصور کند، ماهیت هر دو در ذهن او حاضر می‌شود. این بدان معناست که ذهن، محل اجتماع دو ضد شده است که عقلاً محال است.
- اما گزینه ۲ (علم به معدومات خارجی نداشته باشیم)، نه تنها اشکالی بر نظریه وجود ذهنی نیست، بلکه دقیقاً «دلیل» اثبات آن است. همان‌طور که در مباحث پیشین بررسی شد، ما به معدومات علم داریم (مثل کوه طلا). اگر نظریه وجود ذهنی را انکار کنیم، لازمه‌اش این است که علم به معدومات خارجی نداشته باشیم؛ پس برای توجیه علم به معدومات، ناگزیریم وجود ذهنی را بپذیریم.



مستندسازی

علامه طباطبایی در *نهایة الحکمة* در تقریر مهم‌ترین اشکال وجود ذهنی (شبهه جوهر و عرض) می‌نویسد: «إن القول بحصول الماهیات بأنفسها فی الذهن یستلزم کون الشیء الواحد جوهرأ و عرضاً معاً... و هو محال.» (همانا اعتقاد به حصول خود ماهیات در ذهن، مستلزم این است که یک شیء واحد همزمان هم جوهر باشد و هم عرض... و این امر محال است). ملاصدرا تمام این اشکالات را با ابداع کلیدی تفکیک میان «حمل اولی ذاتی» (لحاظ مفهوم و ماهیت) و «حمل شایع صناعی» (لحاظ مصداق و وجود) حل کرد.

سیر تطور تاریخی

این اشکالات تا پیش از ملاصدرا به قدری لاینحل به نظر می‌رسید که برخی فلاسفه (مانند سید سند و تفتازانی) را مجبور به عقب‌نشینی کرد؛ تا جایی که ادعا کردند آنچه در ذهن می‌آید، «شبح و تمثالی» از ماهیت است، نه خود ماهیت. اما صدرالمتألهین در حکمت متعالیه، با تکیه بر اصالت وجود و تفکیک انحاء حمل، ثابت کرد که ماهیت جوهری در ذهن، به «حمل اولی» جوهر است، اما به «حمل شایع» یک کیف نفسانی (عرض) است و تناقضی در کار نیست.

شرح شخصیت‌ها

- **فخرالدین رازی:** متکلم نامدار اشعری که متبحر در طرح اشکالات لاینحل (تشکیکات) بر مبانی فلاسفه بود. او در آثار خود (مانند *المباحث المشرقیة*) مجموعه اشکالات وجود ذهنی را چنان مستحکم صورتبندی کرد که به نام «شبهات فخر رازی» مشهور شد و تا سه قرن، پاسخی قاطع در میان فلاسفه نیافت.

واژه شناسی

- **شبح‌گرایی (Representationalism/Illusionism در زمینه وجود ذهنی):** دیدگاهی که در اثر فشار شبهات وجود ذهنی شکل گرفت و معتقد بود صورت ذهنی، تنها تصویری مبهم و شبحی از شیء خارجی است که در ماهیت با آن مغایرت دارد. این مکتب توسط ملاصدرا به دلیل فروپاشی اعتبار علم و افتادن در دام سفسطه، باطل اعلام شد.

نکات تکمیلی

مسئله چگونگی حضور اشیاء در ذهن بدون ایجاد تناقض، در فلسفه ذهن مدرن نیز تحت عنوان معمای «کیفیات ذهنی» (Qualia) و «مسئله ذهن-بدن» (Mind-Body Problem) به شدت مورد بحث است. اینکه چگونه مغز فیزیکی می‌تواند میزبان یک مفهوم انتزاعی یا کیفیات متضاد پدیداری باشد، صورت مدرن همان شبهاتی است که متکلمان قرون میانه بر فلاسفه اسلامی وارد می‌کردند.

کادرهای جمع‌بندی

عنوان شبهه	توضیح شبهه	پاسخ ملاصدرا (استفاده از تفکیک حمل)
جوهر و عرض	شیء ذهنی هم جوهر است هم عرض	به حمل اولی جوهر است، به حمل شایع عرض است
کلی و جزئی	صورت ذهنی هم کلی است هم جزئی	به حمل اولی (مفهوماً) کلی است، به حمل شایع جزئی است
اجتماع اضداد	ذهن محل حضور دو ضد می‌شود	اجتماع اضداد در صورتی محال است که دو ضد، وجود خارجی متضاد داشته باشند، نه وجود ظلی ذهنی

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در سؤالاتی که حاوی افعال منفی (مانند «نیست») هستند، پیدا کردن گزینه‌ای که ماهیت گزاره‌ای متفاوتی دارد، راهگشاست. گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ همگی در حال بیان یک وضعیت پارادوکسیکال و محال عقلی (تناقض) هستند، در حالی که گزینه



۲ در حال بیان یک ویژگی قطعی و مثبت ذهن بشری (توانمندی درک معدومات) است. همین ناهمگونی ساختاری، گزینه ۲ را به عنوان پاسخ صحیح در نگاه اول برجسته می‌کند.

ایده برای مصاحبه دکتری

یکی از درخشان‌ترین مباحث برای ارائه در مصاحبه دکتری، تحلیل این امر است که چگونه ابداع منطقی ملاصدرا (تفکیک حمل اولی و حمل شایع)، گره کور معرفت‌شناسی اسلامی را باز کرد. تسلط بر تمایز این دو حمل و توانایی ارائه مثال‌های نقض بر اساس آن‌ها، شما را در چشم اساتید مصاحبه‌کننده، از یک «حفظ‌کننده مطالب» به یک «تحلیل‌گر فلسفی» ارتقا می‌دهد.

۶. گزینه ۳

۷. گزینه ۱

موضوع سوال:

این سؤال به یکی از محوری‌ترین مباحث علت فاعلی در هستی‌شناسی فلسفه اسلامی، یعنی «اقسام فاعل عالم» می‌پردازد. تشخیص دقیق مرزهای مفهومی میان انواع فاعل، بر اساس کیفیت علم، اراده و مهم‌تر از همه حضور یا عدم حضور «انگیزه زائد» (داعی زائد)، هسته اصلی این پرسش را تشکیل می‌دهد.

پاسخ تشریحی

فلسفه اسلامی فاعل‌ها را بر اساس داشتن یا نداشتن علم و اراده به اقسام گوناگونی تقسیم کرده‌اند. در میان فاعل‌های عالم، «فاعل بالقصد» فاعلی است که برای انجام کار، پیش از عمل به آن علم و اراده دارد، اما علم و اراده او به تنهایی برای صدور فعل کافی نیست؛ بلکه نیازمند یک «انگیزه و غایت خارج از ذات» (داعی زائد) است تا او را از حالت قوه به فعل درآورد و به انجام کار برانگیزد. انسان در کارهای روزمره و افعال ارادی‌اش، بارزترین مصداق فاعل بالقصد است. ما برای آب نوشیدن، ابتدا آن را تصور می‌کنیم (علم)، سپس به فایده آن تصدیق می‌کنیم و چون ذاتاً فاقد آن کمال (رفع تشنگی) هستیم، انگیزه‌ای زائد بر ذاتمان شکل می‌گیرد تا فعل را انجام دهیم. عبارت صورت سؤال، دقیقاً تعریف کلاسیک فاعل بالقصد است.

مستندسازی

علامه طباطبایی در کتاب *نهایة الحکمة* (مرحله هشتم، در اثبات علل و احکام آن‌ها) در تعریف این قسم می‌نویسد: «الفاعل بالقصد، و هو الذی یفعل بإرادة و علم سابق علی الفعل بداع زائد، کالإنسان فی أفعاله الاختیارية...» (فاعل بالقصد، و آن کسی است که با اراده و علمی که پیش از فعل وجود دارد و با انگیزه‌ای زائد بر ذات، کار انجام می‌دهد؛ مانند انسان در کارهای اختیاری‌اش).

سیر تطور تاریخی

تقسیم‌بندی فاعل‌ها سیری تکاملی داشته است. ارسطو فاعل را عمدتاً در قالب علت حرکت (محرک) می‌دید. ابن‌سینا و مکتب مشاء، اقسام فاعل را گسترش داده و فاعل «بالعناية» را (برای تبیین فاعلیت خداوند) ابداع کردند. سپس سهروردی در مکتب اشراق، فاعل «بالرضا» را افزود. در نهایت، ملاصدرا با معماری مجدد این مباحث، هشت قسم فاعل (بالطبع، بالقسر، بالقصد، بالجبر، بالتسخیر، بالعناية، بالرضا و بالتجلی) را به صورت نهایی صورت‌بندی کرد و جایگاه فاعل بالتجلی را به عنوان عالی‌ترین مرتبه فاعلیت حق تعالی تثبیت نمود.

شرح شخصیت‌ها

- **انگیزه/داعی زائد (Added Motive):** در فلسفه، هرگونه غایتی که خارج از ذات فاعل باشد و فاعل برای رسیدن به آن (و رفع نقص خود) فعل را انجام دهد، داعی زائد نامیده می‌شود. انتساب داعی زائد به خداوند در فلسفه محال است، زیرا مستلزم نقص و استکمال در ذات غنی مطلق است.

واژه شناسی

- **غایت‌گرایی ارادی (Voluntaristic Teleology):** رویکردی که در آن افعال بر اساس یک قصد آگاهانه و معطوف به هدفی خارج از فاعل انجام می‌شود. این رویکرد چارچوب اصلی تحلیل افعال انسانی (فاعل بالقصد) در فلسفه و کلام است.



بررسی سایر گزینه ها

- **تحلیل گزینه ۲ (بالعنایه):** فاعل بالعنایه (دیدگاه مشاء درباره خدا) پیش از فعل علم دارد، اما علم او به نظام احسن، عین داعی اوست و هیچ انگیزه زائدی در کار نیست.
- **تحلیل گزینه ۳ (بالرضا):** فاعل بالرضا (دیدگاه اشراق درباره خدا) علمی پیش از فعل دارد که عین ذات اوست و تفاسیل افعال، عین خود اشیا خارجی اند. در اینجا نیز داعی زائد وجود ندارد.
- **تحلیل گزینه ۴ (بالتجلی):** فاعل بالتجلی (دیدگاه حکمت متعالیه درباره خدا) فاعلی است که در مقام ذات، علم اجمالی در عین کشف تفصیلی به همه چیز دارد و فعل، تجلی همان علم ذاتی است؛ لذا از هرگونه غایت و داعی زائد منزّه است.

نکات تکمیلی

در علم کلام (برخلاف فلسفه)، متکلمان اشعری و معتزلی خداوند را «فاعل بالقصد» می‌دانند. آن‌ها معتقدند خداوند با اراده‌ای حادث و قصدی زائد بر ذات، جهان را خلق کرده است تا اراده و اختیار او (به معنای انسانی‌اش) حفظ شود. اما فلاسفه این دیدگاه را به شدت نقد کرده و آن را مستلزم تشبیه خداوند به انسان و راه یافتن نقص در ذات الهی می‌دانند.

درک عمیق مفهوم «فاعل بالقصد» و مکانیسم عمل «داعی زائد»، حیاتی‌ترین پیش‌نیاز تئوریک برای ورود به قلب مباحث روان‌شناسی فلسفی است. در تدوین درس‌نامه مروری انتهای کتاب برای سؤالات ۶۶ تا ۸۰، تحلیل تخصصی و کالبدشکافی مبحث پیچیده «مبادی افعال اختیاری» دقیقاً بر روی همین فاعل بالقصد بنا می‌شود. سلسله‌مراتب فعل ارادی در انسان (مبادی شناختی نظیر تصور و تصدیق، و مبادی تحریکی نظیر شوق اکید و اراده)، چیزی جز شرح و بسط فرایند شکل‌گیری همین «داعی زائد» در نفس انسانی نیست. بدون فهم این سؤال عمومی، ساختار آن مباحث تخصصی کاملاً گنگ خواهد ماند.

کادرهای جمع‌بندی

نوع فاعل عالم	وضعیت علم پیش از فعل	اراده	داعی زائد (انگیزه بیرونی)	مصدق بارز
بالقصد	دارد (علم زائد بر ذات)	دارد	دارد (برای استكمال)	انسان در کارهای روزمره
بالعنایه	دارد (عین ذات)	-	ندارد (علم، عین داعی است)	خداوند در مکتب مشاء
بالرضا	دارد (اجمالی در ذات)	-	ندارد (رضایت به فعل است)	خداوند در مکتب اشراق
بالتجلی	دارد (اجمالی در عین تفصیلی)	دارد	ندارد (تجلی کمال ذات است)	خداوند در حکمت متعالیه

راه حل تستی

تکنیک میان‌بر: در تست‌های مربوط به انواع فاعل، کلمه «داعی زائد» یک شاه‌کلید انحصاری است. در تمام تاریخ فلسفه اسلامی، تنها و تنها یک فاعل است که با داعی زائد کار می‌کند و آن «فاعل بالقصد» است. به محض رؤیت این دو کلمه در صورت سؤال، بدون نیاز به خواندن بقیه گزاره، گزینه «بالقصد» باید در کسری از ثانیه انتخاب شود.

ایده برای مصاحبه دکتری

اگر در مصاحبه دکتری پیرامون صفات خدا از شما پرسش شد، تبیین «چرایی امتناع فاعلیت بالقصد در مورد حق تعالی» یک برگ برنده است. توضیح اینکه چگونه نسبت دادن «داعی زائد» به غنی بالذات، منجر به اثبات نقص و نیاز در او می‌شود و مقایسه انتقادی دیدگاه متکلمان با فلاسفه در این خصوص، نشان‌دهنده عمق درک شما از تفاوت‌های روش‌شناختی کلام و فلسفه خواهد بود.

گزینه ۱) ۸.

موضوع سؤال: این سؤال یکی از مهم‌ترین مباحث تاریخ فلسفه اشراق، یعنی رویکرد سهروردی به میراث باستانی ایران (حکمت خسروانی) و نحوه مواجهه او با مسئله «ثنویت» (دوگانه‌انگاری) را هدف قرار داده است. تبیین تفاوت میان ثنویت فلسفی-نوری زرتشت و ثنویت شرک‌آمیز مانی، محور اصلی این پاسخ است.